

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۸ هـ.ق - ده شب با حق مداران)

۱۱ مهر ۹۵

خطبه‌ی شب افتتاحیه

شکر پروردگار کریم که بندگان خویش را در حقیقت جانشان می‌آزماید. در این آزمایش، گاه بر قلعه‌ی سعادت صعود می‌کند و یا در چاه نفس سقوط کرده و جان خویش را هلاک می‌کند.

لحظه لحظه‌ی ماه محرم گویای این آزمایش است و آن شامل همه‌ی محرم‌هاست از محرم سال ۶۱ تا کنون که در آن سال حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یارانش حماسه‌ای آفریدند و حقیقت جان‌ها را در اوج و فرود و سکوت به نمایش تاریخ گذاشتند و با جداسازی حق از باطل و مقاومت و استواری از سستی و خودخواهی، رشادت و دلیری از ترس، ایمان و جهاد در برابر کفر و اتمام حجت بر همگان تمام کردند و با این معیار و سنجش مردمان نه فقط در ماه محرم بلکه هر روز عمرشان نشان دادند که در کدامین دسته هستند و ادعاها به حقیقت روشن شد و چهره‌ی واقعی مدعیان که خود را مجاهد در همراهی امام عصر در جنگ حق و باطل و دوستدار و عزادار حسینی اعلام کرده و می‌کنند مشخص شد.

چه زیبا امام حسین (ع) برای برادرش حضرت ابوالفضل فاش می‌کنند که در عرض فقط پنج روز دعوت برای جهاد اباعبدالله (ع) از مردم مدینه و قبایل اطراف، برای جهاد و همراهی ۵۰۰ نفر جنگجو آمادگی خود را اعلام و در مدینه ساکن شدند. حضرت ابوالفضل با دیدن آنان به امام حسین چنین گفت: چه مردمان اطاعت‌گری! دلمان با این مردان شجاع برای جهاد در سینه بی‌قرار است. امام خطاب به حضرت ابوالفضل می‌فرمایند: ای جان برادر! انتظار زیباترین امتحان الهی است پس همانند امتی که جز به فرمان پروردگار به هیچ فرمان دیگری گردن کج نمی‌کنند منتظر بمان تا چهره‌ها در بازار دنیا آشکار شود. آنان امتی هستند که نام‌ها را دوست می‌دارند و

عمل‌ها را فراموش می‌کنند درحالی‌که به یاد ما در حزن و اندوه فرو می‌روند از دعوت به سوی حق می‌گریزند.

جان عالم به فدای قلب نازنین اباعبدالله (ع)، آنانی که در مدینه با شور و هیجان با تمام جان و هستی خود ابراز ارادت و همراهی در رکاب ایشان در جهاد با ظلم و کفر می‌کردند شب عاشورا در سیاهی شب امام را تنها گذاشته و می‌گریزند. و احیرتا از این همه بزرگی و عطوفت و مهربانی و اشتیاق هدایت و نجات بندگان خدا و با فرصت دادن به آنان در طول سفر شاید حق در وجود آنان رشد کرده، نفسشان را از شیطان و باطل وجود نجات دهند.

اینک که ما به اذن الله و به اذن رسول الله (ص) و به اذن اباعبدالله (ع) و به اذن مولانا صاحب عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) در این خانه مقدسشان مراسمات محرم امسال را با خطابه‌های «ده شب با حق مداران» که گوشه‌ی دیگری از واقعیت نهضت عاشورا است شروع می‌کنیم که موضوع این خطابه‌ها دعوت امام حسین (ع) از مردم مدینه و اطراف برای همراهی ایشان در جهاد با ظلم و کفر و فساد زمانه است. باید که شکرگزار خداوند کریم باشیم که این عنایت و روزی بی‌حساب را نه به شایستگی‌مان بلکه به برکت وجود مقدس امام عصرمان مانند نرم بارانی به وقت بر این کوی عشق می‌بارد و این به‌واسطه‌ی تلاش و اراده و علاقه‌ای است که فرزند گرامی اباعبدالله (ع)، امام عصرمان اباصالح المهدی (عج) به نجات و هدایت ما دارند که همچون پدرشان امام حسین (ع) که یاران را با خود همراه کردند تا با شنیدن سخنانشان در طول سفر به خود آیند، ایشان نیز در خطابه‌های ده شب‌های سال‌های گذشته سعی در رهایی از گناه و معرفت و نجات ما دارند ولی جای تعجب و تأسف است که در همه‌ی خطابه‌های این سال‌ها با ذکر عملکرد یاران و نزدیکان و خود اباعبدالله (ع) ما را به زنده شدن و استواری و گذشتن از خواسته‌های نفسانی برای رضای پروردگار و کشتن خواهش‌های باطل و همراهی حق با تمام توان سفارش فرموده و کوتاهی و باورهای غلط و بازیچه قرار ندادن نهضت انسان‌ساز امام حسین (ع) را در همه‌ی این سال‌ها متذکر شدند.

امسال بیاید به خود آییم که چه کرده و می‌کنیم که عمل و فکرمان مورد قبول واقع نمی‌شود؟ در عبادت و واجبات کوتاهی می‌کنیم؟ از گناهان دوری نمی‌کنیم؟ نه این‌گونه نیست، یاران اباعبدالله (ع) نیز چنین نبودند، پس چه شد با وجود تحمل سختی‌های سفر از او اطاعت نکردند و در زمانی که می‌باید اخلاص و ایمان و حق‌مداری خود را ثابت می‌کردند به سوی علایق دنیایی خود گریختند؟ پس باید در این ده شب خود را محک بزنی، آیا باور و یقین و استواری و ایمانمان آن‌گونه تربیت شده که نه در این ده شب بلکه در تمام طول عمرمان در زمانی که باید بمانیم با گذشتن از همه‌ی هستی‌مان بمانیم تا در خطابه‌های سال آینده مورد تأیید امام عصرمان باشیم نه اینکه مثل سال‌های گذشته به هیجان و شوری زودگذر مبتلا شویم و پس از گذشت زمان خاموش و فراموشمان شود و یقین بدانیم که تکرار تاریخ خواهیم شد چون عصر حاضر بی‌شبهت به عصر اباعبدالله (ع) نیست که زمان پر از فتنه و فساد و کفر و عناد و باطل است.

چه زیبا امام حسین (ع) از قول پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) آن را بیان فرمودند که در آخرین شب قبل از حرکت به طرف قبر جدشان رفته و صورت مبارک را به آن می‌گذارند و می‌فرمایند: یا رسول‌الله، یاریم کنید من به سفری می‌روم که بارها رؤیای آن را برایتان بازگو کرده‌ام و شما هر بار در تعبیر آن مرا به سینه‌ی مبارکتان فشرده و فرموده‌اید آن زمان که مرا ترک کنی امتم از دین خدا خارج شده و آن را مانند متاعی برای خرید و فروش برای خویش حفظ می‌کنند، بهترینشان رغبتی به اطاعت از فرامین قرآن کریم ندارند آیاتش را تلاوت می‌کنند و از حقیقتش می‌گریزند، قلب‌هایشان در محبت دنیا از عشق لبریز است و این میراثی است که هرگز از میانشان محو نمی‌شود، تو را که خورشیدی در تاریکی وجودشان هستی خاموش می‌کنند و سپس با خیالات خویش خورشیدی ساخته به دورش می‌چرخند. دریغا! محبتشان مانند قوم بنی‌اسرائیل است به گوساله‌ای که سامری ساخته بود تا به عنوان خدای موسی آن را بپرستند و آن گوساله در حقیقت تورات سوخت و خاکسترش محو گردید پس تمام گوساله‌ها در حکومت حق خواهند رفت و آنچه باقی می‌ماند همان است که تو در رؤیا می‌بینی.

چه توصیف زیبا و بجایی است، کافی است به اطراف خود نظر کنیم حقیقت آن را دریابیم که امام حسین (ع) و نزدیکان و یارانش را کشتند و در خیالات خود امام حسینی را تجسم کرده و برایش عزاداری می‌کنند.

حال ضمن تشکر و سپاس از ولی‌نعمت‌مان امام و سرورمان ابی‌صالح المهدی (عج) برای عنایت خاصی محرم امسال به ساحت مقدسشان ابراز می‌داریم: مولای ما، زبانه‌مان قاصر است از این همه توجهات و محبت شما، آگاهید از اشتیاق ما در اطاعت و همراهی شما همچون یاران صدیق جد بزرگوارتان امام حسین (ع)، پس از شما تمنا داریم در راه رسیدن به این امید و آرزوی یاری‌مان کنید که این اشتیاق و هجرانمان را چه زیبا اباعبدالله (ع) به یارانشان توصیف فرمودند: بدانید آنچه در پیش است آزمایشی است که صفحه‌ی زمان منتظر آن است زیرا آیندگان امتی خواهند بود که با لحظه لحظه‌ی این حرکت همراه شده و خود را در سیمای شما تصور نموده و آرزوی جایگاهتان را در جانشان مانند خونی که در رگ‌هایشان جریان دارد و ضامن حیاتشان است از پروردگار مسئلت می‌نمایند زیرا امامشان نه در جنگ است که مددش کنند و نه در کنارشان که با او از روبرو سخن بگویند، آنان به گرمی نامش کنار یکدیگر می‌نشینند، احساساتشان مختص خودشان است هیچ کس راجع به آنچه در درون دارد سخن نمی‌گوید همواره با حلقه‌ی اشکی او را به ظهور می‌خواند:

اللهم عجل لولیک الفرج